

## تاثیرات تخصص کمیته حسابرسی بر کیفیت پیش بینی سود مدیریت و خوش بینی مدیریت

فرزانه حیدرپور<sup>۱</sup>، رضا پورزاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

<sup>۲</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

### چکیده

کیفیت پیش بینی سود با دقت بالا از دیدگاه سرمایه گذاران و سهامداران بسیار مورد توجه است، چرا که علاوه بر مشخص نمودن قدرت پاسخگویی بالای مدیریت در ایفای نقش نظارتی خود برای سهامداران منجر به کاهش مشکل نمایندگی و همسو نمودن هرچه بیشتر منافع مدیران و مالکان میگردد و همچنین موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میشود و گامی مثبت در جهت تشویق سرمایه گذاری و فعال تر شدن بازار سرمایه می باشد. کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی بالا و دارای استقلال که از ابزارهای درون سازمانی حاکمیت شرکتی می باشد میتواند منجر به افزایش کیفیت پیش بینی سود شود. این پژوهش از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی بوده است، که با استفاده از داده‌های ثانویه مستخرج از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه‌ی همبستگی پرداخته شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است که با استفاده از روش نمونه گیری غربالگری تعداد ۸۷ شرکت به عنوان نمونه آماری در دوره زمانی ۸۷ تا ۹۲ (دوره ۶ساله) انتخاب شده اند. همچنین به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک های اطلاعاتی استفاده شده است. جهت آزمون فرضیه ها از آزمون تساوی میانگین دو جامعه برای فرضیه اول و آزمون تساوی میانگین دو جامعه برای فرضیه دوم و سوم استفاده شده است. بنابراین یافته های این پژوهش نشان می دهد که بین دقت پیش بینی سود مدیریت قبل و بعد تشکیل کمیته حسابرسی، تاثیر تخصص کمیته حسابرسی بر خوش بینی مدیریت و عدم دقت پیش بینی سود تفاوت معناداری وجود ندارد و هر سه فرضیه مورد آزمون رد شدند.

**کلید واژه:** کمیته حسابرسی، کیفیت پیش بینی سود مدیریت، خوش بینی مدیریت

**مقدمه**

یکی از الزامات بورس اوراق بهادار، پیشبینی سود توسط شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد. مدل های مختلفی برای پیشبینی سود وجود دارد. این مدل ها از دقت لازم برخوردار نیست. پیش بینی های انجام شده توسط افراد حرفه ای از جمله تحلیلگران، دقیقتر از پیش بینی هایی است که توسط این مدلها انجام می شود (ویندرام و سانگ، ۲۰۰۴). اما دقت پیش بینی های این افراد نیز تحت تاثیر عوامل مختلفی است؛ میگرد (۲۰۰۱) نشان می دهد که دقت پیشبینی تحلیلگران با تجربه آنها و همچنین تعداد شرکتهایی که تحلیل می کنند، رابطه مستقیم دارد. یکی از ابزارهای تعامل مدیران شرکتهای با بازار، ارائه اطلاعاتی در مورد پیش بینی سود شرکت است که بدین وسیله شرکتهای می توانند رفتار بازار را تحت تاثیر قرار دهند.

یکی از عوامل موثر بر میزان کیفیت پیش بینی سود مدیریت، ساختار حاکمیت شرکتی می باشد. مکانیزم های حاکمیت شرکتی به دو دسته درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم می شوند. مکانیزم های درون سازمانی اشاره به حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی، اندازه هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، نرخ اعضای موظف/ غیر موظف، ساختار مالکیت و مواردی از این قبیل دارد و مکانیزم های برون سازمانی شامل تمامی قوانین و مقررات و الزاماتی می شود که سازمان می بایست آنها را در عملیات و ساختار خود اعمال کند، همانند قوانین مرتبط با ساختار مالی شرکت و نحوه پاداش و تشویق مدیریت (استنلی و دیزورت، ۲۰۰۷).

اما از طرف دیگر یکی از اساسی ترین مسائل اقتصادی افراد، واحدهای تجاری و دولت ها تخصیص بهینه منابع است. تخصیص بهینه منابع زمانی امکان پذیر است که منابع به سمت سرمایه گذاری های پر بازده و با ریسک منطقی هدایت شوند. با توجه به ضرورت سرمایه گذاری در جهت نیل به توسعه اقتصادی، آرایه راهکارهایی در جهت بهینه سازی ترکیب سرمایه گذاری می تواند گامی مثبت در جهت تشویق سرمایه گذاری و فعال تر شدن بازار سرمایه باشد. در فرایند تصمیم گیری توسط سرمایه گذاران، مدیران، تحلیل گران مالی و سایر گروه های استفاده کننده از اطلاعات یکی از فاکتورهای مهم برای تصمیم گیری، کیفیت گزارشگری مالی است (برگمن و هالت، ۲۰۱۲). پژوهش در زمینه دقت پیش بینی سود، میتواند به استفاده کنندگان و سرمایه گذاران در اخذ تصمیمات بهینه یاری رساند و از این لحاظ چنین پژوهشی می تواند به عنوان پژوهش کاربردی در شناسایی پیش بینی های دقیق تر سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه مفید واقع شود. بنابراین با توجه به اهمیت سود هر سهم افشاء شده توسط شرکت ها در بازار سرمایه، کم بودن پژوهشهای موجود در زمینه پیش بینی سود شرکت ها در کشور و با عنایت به این که در هیچ یک از این پژوهش ها بطور مستقیم تاثیر کمیته حسابرسی بر انتظارات مدیریت و کیفیت پیش بینی سود مورد توجه قرار نگرفته است ضرورت و اهمیت انجام چنین تحقیقی دو چندان احساس می شود.

**مبانی نظری پژوهش****کمیته حسابرسی**

محیط اقتصادی ایران در سالهای اخیر شاهد تغییر و تحولات عمده ای بوده است؛ روند رو به رشد مالکیت عمومی واحدهای تجاری، واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی و تامین مالی از طریق مشارکت گسترده عموم، از یک سو و روز رسواییهای مالی (از جمله تقلب مدیران در شرکتهای و اختلاس در بانکها و ...) از سوی دیگر، گواهی بر این ادعاست. نگاهی اجمالی به پدیده گسترش مالکیت عمومی واحدهای تجاری در قالب ظهور شرکتهای سهامی عام و پذیرش آنها در سازمان بورس اوراق بهادار، گویای این واقعیت است که این شرکتهای با جمع آوری سرمایه میلیونها نفر سرمایه گذار جزء و عمده (اعم از آشنا و ناآشنا به مسایل مالی و سرمایه گذاری و جنبه های حقوقی موضوع) حیات اقتصادی و اجتماعی آنها را به گونه ای شگرف تحت تاثیر قرار می دهند. موضوعی که در این میان بیشتر رخ نموده و جلب توجه می کند، ضرورت حفظ منافع این سرمایه گذاران (ذینفعان) است. بنابراین، با توجه به رشد و گسترش تعداد و دامنه فعالیتهای شرکتهای سهامی عام در اقتصاد ایران و ضرورت افزایش مسئولیت پاسخگویی آنها در قبال سرمایه گذاران که سرمایه های خود و کلان خود را به امید کسب

درآمد در اختیار این شرکتها قرار می دهند، مدیریت مناسب، کنترل و نظارت بر امور شرکتهای سهامی عام اهمیتی دو چندان پیدا می کند. امروزه یکی از ملاحظات و سازوکارهای اساسی در زمینه مدیریت، کنترل و نظارت بر امور شرکتهای سهامی عام، برپایی کمیته های حسابرسی است.

### وظایف و مسئولیتهای کمیته حسابرسی

تنها وظیفه ای که در بیشتر کشورها به موجب قانون تجارت، بر عهده کمیته حسابرسی نهاده شده و حتی در برخی موارد الزامی دانسته شده است، مطالعه و بررسی صورتهای مالی حسابرسی شده قبل از تصویب هیئت مدیره شرکت است (Termer & Veirish, 2006). به عبارت دیگر، در بیشتر کشورها، نظارت عالی بر فرایند گزارشگری مالی شرکت، محور اصلی وظایف کمیته حسابرسی را تشکیل می دهد. علاوه بر وظیفه یاد شده، وظایف و مسئولیتهای دیگری نیز بر عهده کمیته حسابرسی گذاشته می شود (Vidbe, 1997). این وظایف و مسئولیتهای را در چهار زمینه متفاوت می توان مورد بررسی قرارداد:

۱. وظایف مرتبط با گزارشگری مالی (برون سازمانی) شرکت،
۲. وظایف مرتبط با کار حسابرسان مستقل،
۳. وظایف مرتبط با مدیریت، کنترل و نظارت بر امور شرکت، و
۴. وظایف مرتبط با کار حسابرسان داخلی

### پیش بینی سود مدیریت

مدیران شرکت ها در گروه آن دسته از استفاده کنندگان صورتهای مالی هستند که در داخل شرکت حضور دارند و در نتیجه اطلاعات بیشتری را نسبت به استفاده کنندگان خارجی به دست می آورند. مدیران به اطلاعاتی علاوه بر صورتهای مالی دسترسی دارند که برای شرکت محرمانه تلقی می شود در ضمن اطلاعات سریعتر و در طی زمان در اختیار مدیران قرار می گیرد (ووردکرز و همکاران، ۲۰۰۷).

از طرفی یکی از ابزارهای تعامل مدیران شرکت ها با بازار، ارائه اطلاعاتی در مورد پیش بینی سود شرکت است که بدین وسیله شرکت ها می توانند رفتار بازار را تحت تاثیر قرار دهند. بدلیل عدم اطمینان در محیط عملیاتی، برآوردهای مدیران از چشم انداز تجاری شرکت کامل نیست و با وجود اینکه برآوردهای ناقص مدیران فرآیند پیش بینی سود را تحت تاثیر قرار می دهد، تمرکز تحلیل گران و استفاده کنندگان اطلاعات مالی بر پیش بینی سود، از سایر اشکال اطلاعات افشا شده خارج از صورت های مالی بیشتر است و دلیل آن این است که سود پیش بینی شده علاوه بر انعکاس پیش بینی مدیریت درباره چشم انداز آتی، کمی و قابل تائید است. از آنجا که بسیاری از تحلیل گران و سرمایه گذاران، تصمیم های خود را با توجه به اطلاعات موجود می گیرند و سودهای پیش بینی شده توسط مدیریت در ارزیابی شرکت ها و تاثیر گذاری بر قیمت سهام شرکت ها معیار با اهمیتی است، باید انتظار داشت که مدیران شرکت ها در پیش بینی های خود نهایت دقت را به عمل آورند (بارس و همکاران، ۲۰۱۳).

### تئوری نمایندگی<sup>۱</sup> و پیش بینی سود<sup>۲</sup>

تئوری نمایندگی فرض می کند که کارفرما و عامل (در این تحقیق، مدیریت و سهامدار) دارای اهداف متفاوتی از یکدیگر می باشند، هر دو دارای درجه ریسک گریزی متفاوت می باشند و عامل در صورت یافتن فرصت سعی می کند که زیر کار شانه خالی کند. به عبارتی دیگر، عامل کار گریز می باشد و عامل و کارفرما هر یک به دنبال حداکثر نمودن منافع شخصی خود می باشند (نونهال نهر و مهرانی، ۱۳۸۶) و با توجه به بیان فرضیات دو مشکل اساسی یا "خطر اخلاقی" وجود دارد که در تئوری نمایندگی باید مورد توجه قرار گیرد و این دو مشکل به شرح زیر می باشد:

<sup>1</sup> Representation theory

<sup>2</sup> Forecast earnings

- ۱) نبودن تقارن اطلاعات: این مشکل به این معنی است که یکی از طرفین قرارداد (کارفرما یا عامل) دارای اطلاعاتی می‌باشند که طرف مقابل در جریان آن اطلاعات قرار ندارد.
- ۲) کارگری: کارگری یا شانه خالی کردن از زیر کار به این معنی که عامل در صورت یافتن فرصت سعی می‌کند از انجام کار به نحو مطلوب خودداری نموده و کار محول شده به وی را به نحو مطلوبی به انجام نرساند.
- چندین راه حل برای برطرف کردن نبود تقارن از اطلاعات پیشنهاد شده است و نخستین راه بستن قراردادهای بهینه میان مدیریت و سهامدار است به شکلی که منجر به ایجاد انگیزه برای افشای کامل اطلاعات می‌گردد. بستن چنین قراردادهایی منجر به هم سو شدن انگیزه مدیریت و سهامدار شده و باعث می‌شود مدیریت خود را ملزم به افشای اطلاعات بداند که سهامداران بتوانند با استفاده از آن‌ها بر رعایت مفاد قرارداد از جانب وی نظارت کنند و در مورد اینکه آیا مدیریت توانسته است منابع سازمان را در راستای منافع مالکان به کار ببندد یا خیر، قضاوت کنند و راه حل دوم، تدوین مقرراتی را به افشای کامل اطلاعات ملزم کند (هرمالین و ویسباچ، ۲۰۰۳). بنابراین، با توجه به اینکه مدیر یا مدیران شرکت به عنوان عامل و سهامداران شرکت به عنوان کارفرما محسوب می‌شوند، به نظر می‌رسد به منظور کاهش مشکلات تئوری نمایندگی مانند نبود تقارن اطلاعات، مدیران شرکت‌ها باید سود شرکت را با دقت و بدون تعصب پیش‌بینی نموده و در اختیار سهامداران قرار دهند، در صورت نبود پیش‌بینی وضعیت آتی شرکت ممکن است افراد خبره در این کار مثل تحلیل‌گران مالی و واسطه‌گری‌های اطلاعاتی، وضعیت آتی شرکت را پیش‌بینی نموده و از این طریق سهامداران شرکت متضرر گردند. همچنین ممکن است مدیریت شرکت نیز به خاطر داشتن اطلاعات محرمانه به هزینه سهامدار منفعت خود را افزایش دهد. بنابراین پیش‌بینی سود توسط مدیریت می‌تواند باعث کاهش هزینه سرمایه و مشکلات تئوری نمایندگی گردد. باری و برون<sup>۱</sup> (۱۹۸۴، ۱۹۸۶) اعتقاد دارند، زمانی که افشای اطلاعات ناکافی باشد، سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی بازده سرمایه‌گذاری خود متحمل ریسک می‌شوند، در صورتی که آنان نتوانند این ریسک را در سایر سرمایه‌گذاری‌ها سرشکن کنند، آنگاه سرمایه‌گذاری برای تحمل این ریسک، بازده بالاتری تقاضا می‌کند. از این رو، شرکت‌هایی که سطح افشای آن‌ها پایین و در نتیجه ریسک اطلاعاتی آن‌ها بالاست، متحمل هزینه سرمایه بیشتری می‌شوند و برعکس (بارنیو و کاو، ۲۰۰۹).

### پیشینه پژوهش

نتیجه‌ی پژوهش وی هونگ زو<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) نشان داد، قیمت‌گذاری نادرست اقلام تعهدی، برای شرکت‌هایی که محدوده‌ای از پیش‌بینی‌ها را منتشر می‌کنند، مصداق دارد و برای شرکت‌هایی که پیش‌بینی نقطه‌ای منتشر می‌کنند، مصداق ندارد. نتایج نوروآتی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که کمیته‌های حسابرسی که دارای اعضای غیر موظف هستند و نیز اندازه کمیته حسابرسی با خطای مطلق پیش‌بینی رابطه منفی دارد. آنان هیچ رابطه معنی‌داری بین مشخصه‌های هیأت مدیره و دقت پیش‌بینی سود مشاهده نکردند. همچنین نتایج تحقیق آنان حاکی از رابطه مثبت اندازه شرکت با دقت پیش‌بینی سود است. این نتایج بیانگر آن است که پیش‌بینی‌های سود در شرکت‌های بزرگتر از اعتبار بیشتری برخوردار است. وای هوی و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) اثر محافظه‌کاری را در پیش‌بینی سود بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد عمل به حسابداری محافظه‌کارانه به عنوان جانشین پیش‌بینی‌های مدیریت محسوب می‌شود از این رو، به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار و کاهش بالقوه‌ی دعاوی قضایی از طریق گزارش‌گری به موقع اخبار نامساعد منجر می‌گردد. بیک و برون<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) رابطه بین شاخص حاکمیت شرکتی و شاخص‌های متعدد کیفیت افشا، نظیر دقت، انحراف و میزان اختلاف (تفاوت) در پیش‌بینی‌های سود توسط تحلیل‌گران را بررسی کردند. آنان دریافته‌اند که افشاهای صورت گرفته توسط شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی کارآمد آگاهانه‌تر است. همچنین آنان دریافته‌اند که دیگر مشخصه‌های هیأت مدیره که با

<sup>1</sup> Barry & Brown

<sup>2</sup> Vehonzou

<sup>3</sup> Nurwati A. et al

<sup>4</sup> Vayhoy et al

<sup>5</sup> Bek & beroun

کیفیت افشای رابطه دارد، اندازه هیأت مدیره است. بارث و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) به ارزیابی تأثیر اجزای سود بر پیش بینی ارزش شرکت پرداختند. یافته های تحقیق حاکی از این است، که تجزیه ی سود به دو جزء؛ اقلام تعهدی و جریان های نقدی یا به پنج جزء؛ شامل جریان های نقدی و چهار جزء تعهدی، میانگین خطای پیش بینی را کاهش داده و در نتیجه به پیش بینی ارزش شرکت کمک می نماید.

فراست<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) با مطالعه یک نمونه ۸۱ تایی از شرکت های بریتانیایی که گزارش حسابرسی تعدیل شده دریافت کرده بودند، مشاهده کرد این شرکت ها در مقایسه با شرکت های دیگر سود را با خوش بینی بیشتری انجام می دهند و وی نتیجه گرفت که ارتباط مثبت خطی بین خوش بینی مدیریت در پیش بینی سود و خطر (ریسک) مالی وجود دارد. هاتن<sup>۳</sup> و استاکن<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) ویژگی های پیش بینی های ثبت شده شرکت و چگونگی تأثیر دقت پیش بینی های سود قبلی را در پاسخ سرمایه گذاران به پیش بینی سود آینده را در مورد بررسی قرار دارند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رفتار پیش بینی های قبلی شرکت اجازه می دهد تا برای پیش بینی ها اعتبار و شهرت ایجاد شود.

ریب و ژائو<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) نتایج یافته های آنها حاکی از آن است که بین تحصیلات، تجربه کاری و شبکه ارتباطات هیات مدیره با خطای پیش بینی سود رابطه معکوس معناداری وجود دارد. یافته های بدست آمده محمود معین الدین و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) حاکی از آن است که هیچگونه رابطه ی معناداری بین تخصص کمیته حسابرسی و نوسان پذیری بازده سهام وجود ندارد. علاوه بر آن نتایج بدست آمده گویای آن است که نوع صنعت هیچ گونه رابطه معناداری با نوسان پذیری بازده سهام ندارد. همچنین نشان داده شده است که زیان خالص شرکت ها دارای تأثیر مثبت معنادار آماری بر نوسان پذیری های بازده سهام است.

لورنس<sup>۷</sup> (۲۰۱۵) به این نتیجه رسید که در شرکت هایی که تخصص کمیته حسابرسی بیشتر می باشد، کیفیت گزارشگری مالی نسبت به سایر شرکت ها پایین تر می باشد. پیوتروسکی<sup>۸</sup> (۲۰۱۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که شرکت های با فرصت های رشد بالا تمایل دارند تا سود با دقت پیش بینی بالاتری را ارائه دهند. هنگامی که شرکت ها در حال اتمام پروژه های سرمایه گذاری خود هستند و توان رشد بالقوه آتی آنها پایین تر است، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یافته و در نتیجه دقت پیش بینی سود افزایش می یابد.

### فرضیه های پژوهش

**فرضیه اول: تفاوت معناداری بین عدم دقت پیش بینی سود مدیریت قبل و بعد از تشکیل کمیته حسابرسی وجود دارد.**

**فرضیه دوم: تخصص کمیته حسابرسی بر میزان خوش بینی مدیریت تأثیر دارد.**

**فرضیه سوم: تخصص کمیته حسابرسی بر عدم دقت پیش بینی سود مدیریت تأثیر دارد.**

### روش تحقیق

روش پژوهش این تحقیق از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است، که با استفاده از داده های ثانویه مستخرج از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه ی همبستگی می پردازد. جامعه ی آماری شامل تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. روش نمونه گیری غربالگری با اعمال این شرایط می باشد: اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای عملیاتی تحقیق، برای آنها در دسترس باشد، دست کم از سال ۱۳۸۶ در بورس پذیرفته شده و تا پایان دوره تحقیق در بورس فعال باشند، پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد، جزء صنایع واسطه گری مالی، سرمایه گذاری، بانکی، بیمه و لیزینگ نباشد، دارای واحد کمیته حسابرسی باشند. در نهایت حجم نمونه نهایی با توجه به روش غربالگری بر اساس معیارها ۸۷ شرکت می باشد.

<sup>1</sup>Bares et al

<sup>2</sup> Frost

<sup>3</sup>Huton

<sup>4</sup> Mahmood Moeinaddin, et al.

## متغیرهای پژوهش

## فرضیه اول:

در این تحقیق به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود تفاوت معناداری بین میانگین دقت پیش بینی سود توسط مدیریت قبل و بعد از تشکیل کمیته حسابرسی از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده می شود. برای آزمون تساوی میانگین دو جامعه لازم است ابتدا بررسی می کنیم آیا واریانس دو جامعه برابرند یا خیر. به عبارت دیگر آزمون تساوی واریانس ها مقدم بر آزمون تساوی میانگین ها است.

## فرضیه دوم:

$$EXM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AC\_EXP + \beta_2 MTB + \beta_3 LEV + \beta_4 LOSS + \beta_5 DUAL + \beta_6 DECREN + \beta_7 NOA + \beta_8 SIZE + \beta_9 EARNING + \varepsilon_{it}$$

## - متغیر وابسته

EXM خوش بینی مدیریت. متغیر دامی است در صورتی که سود پیش بینی شده توسط مدیریت بیشتر از مقدار واقعی باشد، عدد یک، در غیر اینصورت عدد صفر منظور می شود.

## - متغیر مستقل

AC\_EXP تخصص کمیته حسابرسی که از طریق تعداد اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی تقسیم بر تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی به دست می آید. منظور از تخصص مالی افرادی که دارای تجربه کاری مفید و تحصیلات در زمینه های مالی و حسابداری می باشند.

## - متغیرهای کنترلی

MTB نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان دوره که نسبت مزبور معرف فرصت های رشد (نسبت کیو توبین) می باشد. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان دوره که از حاصل ضرب تعداد سهام در قیمت بازار هر سهم در پایان دوره مالی به دست می آید. LEV اهرم مالی که از نسبت ارزش دفتری بدهی ها به ارزش دفتری دارایی ها در پایان دوره محاسبه می شود. LOSS متغیر دامی است در صورتی که شرکت در دوره قبل زیان خالص گزارش کرده باشد، عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر منظور می شود.

DUAL متغیر دامی است در صورتی که مدیر عامل شرکت عضو هیات مدیره باشد، عدد یک، در غیر اینصورت عدد صفر منظور می شود. DECREN متغیر دامی است در صورتی که سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت نسبت به دوره قبل کاهش یافته باشد، عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر منظور می شود. NOA خالص دارایی های عملیاتی شرکت در پایان دوره. دارایی های عملیاتی نیز از طریق جمع دارایی ها به کسر وجه نقد، سرمایه گذاری های کوتاه مدت و سایر دارایی ها به دست می آید. BIG متغیر دامی است در صورتی که حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر منظور می شود. SIZE اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری جمع دارایی ها محاسبه می شود. AGE عمر شرکت که از تفاوت سال تاسیس و سال مورد بررسی محاسبه می شود. EARNING ضریب پراکندگی سود که از طریق نسبت انحراف معیار بر میانگین سود سه سال قبل به دست می آید.

## فرضیه سوم

$$EFQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AC\_EXP + \beta_2 MTB + \beta_3 LEV + \beta_4 LOSS + \beta_5 DUAL + \beta_6 DECREN + \beta_7 NOA + \beta_8 SIZE + \beta_9 EARNING + \varepsilon_{it}$$

## متغیر وابسته

EFQ دقت سود پیش بینی شده توسط مدیریت که از تفاوت سود پیش بینی شده از سود واقعی تقسیم بر سود واقعی به دست می آید.

$$EFQ = \frac{\text{قدر مطلق (سود واقعی - سود پیش بینی شده)}}{\text{سود واقعی}}$$

## نتایج آزمون ها

## فرضیه اول

جدول ۱- نتایج آزمون t برای بررسی فرضیه اول پژوهش

تفاوت میانگین ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	آماره F	انحراف معیار		میانگین		تعداد	
					قبل از تشکیل کمیته حسابرس	بعد از تشکیل کمیته حسابرس	قبل از تشکیل کمیته حسابرس	بعد از تشکیل کمیته حسابرس	قبل از تشکیل کمیته حسابرس	بعد از تشکیل کمیته حسابرس
۰/۰۲۰	۰/۱۸۳	۵۲۰	۱۳۳۴	۱	۰/۱۷۱	۰/۱۶۹	۰/۰۱۹	-۰/۰۰۱	۳۲۶	۱۹۶

توجه به اینکه در F ۰/۲۵۱ سطح معناداری بالای ۵ درصد می باشد بنابراین فرض برابری واریانس دو گروه تأیید می شود، در مرحله بعد با توجه به عدم تساوی میانگین ها سطح معنی داری را نیز بررسی میکنیم. از آن جایی که مقدار آماره t برابر با ۱/۳۳۴ بوده و سطح معنی داری آن بیش از ۵٪ است، بنابراین با ۹۵٪ اطمینان می توان گفت که میانگین دو گروه با هم برابر نیستند، اما این تفاوت معنادار نیست. یا به عبارت دیگر دقت پیش بینی سود مدیریت قبل و بعد از تشکیل کمیته حسابرسی تفاوت معناداری با هم ندارند.

## فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم در نمونه تحقیق از مدل رگرسیونی حداکثر درستنمایی - لوجیت باینری زیر استفاده شده است:

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

نام متغیر	ضریب (Coefficient)	آماره Z	Prob.
تخصص کمیته حسابرسی (AC_EXP)	-۰/۱۸۴	-۰/۳۸۱	۰/۷۰۳
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB)	۰/۰۲۹	۰/۸۸۱	۰/۳۷۸
اهرم مالی (LEV)	۰/۳۳۲	۳/۳۲۰	۰/۰۰۰
زیان دهی شرکت (LOSS)	۰/۱۵۶	۲/۱۶۲	۰/۰۲۴
عضو هیات مدیره بودن مدیر عامل (DUAL)	-۰/۶۱۶	-۱/۳۶۱	۰/۱۷۳
کاهش سود خالص نسبت به دوره قبل (DECEN)	۰/۲۲۳	۰/۶۶۱	۰/۵۰۸
خالص دارایی های عملیاتی (NOA)	-۱/۱۸۳	-۰/۴۰۰	۰/۶۸۹
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۰۱۶	-۲/۱۹۶	۰/۰۲۰

۰/۲۸۸	-۱/۰۶۱	-۰/۰۷۸	ضریب پراکندگی سود (EARNING)
۰/۴۲۲	-۰/۸۰۲	-۲/۱۷۳	مقدار ثابت (C)
۳۶/۴۹۳ (۰/۰۰۰)	آزمون حداکثر درست نمایی (LR Test) سطح معنی داری (Prob.)		
۱۵/۶۱۶ (۰/۰۱۰)	آماره HL سطح معنی داری (Prob.)		
۱۸/۳۲۳ (۰/۰۱۲)	آماره اندروز (Andrews Statistic) سطح معنی داری (Prob.)		
۰/۱۴۰	ضریب تعیین مک فادن McFadden R-SQ		

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم، که در جدول ۲- ارائه شده است، سطح معنی داری آماره LR (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. نتایج آزمون نیکویی برازش (آزمون های HL و اندروز) نیز نشان می دهد الگوی رگرسیونی مزبور از برازش مطلوبی برخوردار است. با توجه به پایین بودن سطح احتمال (Prob.) آماره Z از سطح خطای مورد پذیرش، برای ضریب  $\beta_1$  نتایج آزمون نشان می دهد که تخصص کمیته حسابرسی بر خوش بینی مدیریت تاثیر منفی اما بی معنا دارد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق را نمی توان در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید کرد. همچنین نتایج تحقیق نشان می دهد از متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون، اهرم مالی و زیان دهی شرکت تاثیر مثبت معنادار بر خوش بینی مدیریت و اندازه شرکت تاثیر منفی معنادار بر خوش بینی مدیریت در سطح خطای ۵٪، دارد. ضریب تعیین مک فادن نیز نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته اند ۱۴٪ از تغییرات متغیر خوش بینی مدیریت را توضیح دهند.

### فرضیه سوم

به منظور مشخص شدن آزمون سوم برای اینکه از چه روشی برای آزمون فرض استفاده شود باید از آماره F- limer استفاده شود. فرضیه صفر این آزمون بصورت زیر می باشد:

جدول ۳- نتایج آماره اف لیمر برای آزمون مدل

آماره	مقدار آماره	سطح معنی داری
F	۰/۵۳۰	۰/۷۵۳

از آنجایی که سطح معنی داری آزمون اف لیمر نیز بیش از ۰/۰۵ می باشد (۰/۷۵۳)، لذا این موضوع بیانگر این است که روش داده های پولد نسبت به روش داده های پانلی ارجحیت دارد.

### آزمون وایت

به منظور مشخص شدن ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است.

جدول ۴- نتایج آماره وایت برای آزمون مدل

آماره	مقدار آماره	سطح معنی داری
W	۰/۷۶۹	۰/۸۷۶

از آنجایی که سطح معنی داری آزمون وایت نیز بیش از ۰/۰۵ می باشد (۰/۸۷۶)، لذا این موضوع بیانگر این است که مدل دارای ناهمسانی واریانس نمی باشد.

### آزمون براش گادفری

همچنین به منظور مشخص شدن مشکل خود همبستگی سریالی از آزمون براش گادفری استفاده شده است.



جدول ۵- نتایج آماره براش گادفری برای آزمون مدل

آماره	مقدار آماره	سطح معنی داری
BG	۰/۴۲۸	۰/۶۵۱

از آنجایی که سطح معنی داری آزمون براش گادفری نیز بیش از ۰/۰۵ می باشد (۰/۶۵۱)، لذا مدل دارای مشکل خود همبستگی سریالی نمی باشد. نتایج حاصل از رگرسیون به شرح زیر می باشد:

جدول ۶- نتایج برآورد مدل برای فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی داری	آماره VIF
تخصیص کیمره حسابرسی (AC_EXP)	-۰/۰۲۰	-۰/۷۴۱	۰/۴۵۸	۱/۰۱۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB)	۰/۰۰۰	۰/۴۲۹	۰/۶۶۷	۱/۰۴۶
اهرم مالی (LEV)	۰/۰۸۷	۲/۲۰۴	۰/۰۲۸	۱/۰۶۹
زیان دهی شرکت (LOSS)	۰/۰۹۷	۲/۳۹۷	۰/۰۱۱	۱/۰۱۷
عضو هیات مدیره بودن مدیر عامل (DUAL)	۰/۰۱۰	۰/۴۷۲	۰/۶۳۷	۱/۰۰۴
کاهش سود خالص نسبت به دوره قبل (DECEN)	۰/۰۱۳	۰/۶۵۴	۰/۵۱۲	۱/۰۱۶
خالص دارایی های عملیاتی (NOA)	۰/۰۶۱	۰/۳۶۴	۰/۷۱۵	۱/۰۱۴
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۰۰۴	-۰/۹۳۷	۰/۳۴۹	۱/۰۱۷
ضریب پراکندگی سود (EARNING)	۰/۰۷۴	۲/۱۰۳	۰/۰۳۰	۱/۰۱۱
مقدار ثابت (C)	۰/۰۴۹	۰/۳۱۶	۰/۷۵۱	-
آماره F (سطح معنی داری)		۱۵/۹۸۷ (۰/۰۰۰)	آماره دوربین واتسون	۱/۹۵۳
(ضریب تعیین)		(۰/۱۱۶)	آماره نرمالیده (سطح معنی داری)	۱/۱۴۴ (۰/۱۱۷)

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار سطح معنی داری آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۱۱/۶ درصد از تغییرات دقت پیش بینی سود مدیریت توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون نرمالیده، گویای آن است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار می باشند بطوری که سطح معنی داری مربوط به این آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است (۰/۱۱۷). همچنین با توجه به این که مقدار آماره دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۹۵۳) لذا می توان گفت در مدل، مشکل خود همبستگی باقیمانده ها وجود ندارد. در نهایت با توجه به سطح معناداری تخصیص کیمره حسابرسی (متغیر مستقل)، که بالای ۵٪ می باشد بر همین اساس تخصیص کیمره حسابرسی بر دقت پیش بینی سود مدیریت تاثیر معناداری ندارد. اما از متغیرهای کنترلی اهرم مالی، زیان دهی شرکت و ضریب پراکندگی سود بر دقت پیش بینی سود مدیریت تاثیر مثبت و معناداری دارند. در نهایت با آزمون همخطی میان متغیرهای تحقیق نیز مقدار آماره VIF (عامل تورم واریانس) برای تمامی متغیرها از ۵ کوچکتر بوده و بیانگر این است که میان متغیرهای پژوهش مشکل همخطی شدید وجود ندارد.

## بحث و نتیجه گیری

به طور مشخص مدیران زمانی ممکن است اثربخشی کمیته را خدشه دار کنند که با ایجاد کمیته وابسته به مدیریت بتوانند بر فرآیند تصمیم گیری هیئت مدیره تاثیرگذار باشند. به دلیل اهمیت این مسئله در اثربخشی کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی، استانداردگذاران باید در جستجوی راههایی برای تضمین این مسئله باشند و مانع از محدودیت ایجاد شده توسط مدیران بر عملکرد کنترلی کمیته حسابرسی شوند. همچنین به اعتقاد پژوهشگر جهت افزایش ارزش استقلال حسابرسی، اعضای هیئت مدیره و کمیته حسابرسی باید نظرات حسابرسان مستقل رابه عنوان توصیه های حرفه ای درباره مناسب بودن اصول حسابداری به کار گرفته شده یا پیشنهادی جهت شفافیت افشاهای مالی و همچنین میزان تهاجمی یا محافظه کار بودن اصول حسابداری و برآوردها، مورد توجه قرار دهند. از اینرو کمیته حسابرسی استقلال را تقویت میکند. در واقع حسابرس در صورتی کاراتر، اثربخش تر و مستقل تر است که کمیته حسابرسی مسئول انتصاب و تعیین حق الزحمه های حسابرس باشد. علاوه بر این، تقویت استقلال حسابرس به پیدایش جریان اطلاعاتی سودمند جهت تصمیم گیری، کمک می کند. همچنین به سرمایه گذاران، پیشنهاد میگردد به دلیل وجود محدودیت شرکتی و وجود بسیاری از محدودیت های دیگر که قادر بر نظارت بر عملکرد مدیریت نیستند ایجاد یک نظام راهبری شرکتی قوی همراه با کنترل داخلی را ایجاد نمایند. لازمه چنین سازوکاری، برقراری ارتباطی به موقع و مناسب از سوی حسابرسان، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره است در این راستا سهامداران با توجه ویژه به روابط بین هیئت مدیره با کمیته های مختلف و بررسی نقش نظارتی مباشرتی کمیته حسابرسی از طریق پاسخگویی مستقیم و ارتباط با سهامداران منتخب و همچنین تقویت استقلال کمیته حسابرسی از بعد مالی و اخلاق حرفه ای همچنین کمک به ایفای نقش پاسخگویی مدیریت با ایجاد یک سیستم نظارتی قوی بر کمیته حسابرسی از بعد فنی و از بعد اخلاقی از طریق سهامداران منتخب مجمع که در نهایت با ایجاد یک فرایند گزارشگری مالی قوی در تمامی زمینه های مورد فعالیت کمیته حسابرسی میتواند منجر به ایجاد یک نظام راهبری قوی در شرکت شود و منجر به پاسخگویی قوی مدیر و کاهش مشکل نمایندگی شود.

از طرفی برای اثربخش بودن تخصص افراد کمیته حسابرسی نظارت موثر کمیته حسابرسی برای ارزیابی موضوعاتی که به طور مستقل به افراد کمیته واگذار می شود و تعیین اهداف کمیته حسابرسی به صورت سالیانه و در قالب گزارشات مربوط به مدیریتی و کنترل داخلی بسیار مهم است. چرا که بررسی و ارزیابی گزارشات کمیته در داخل کمیته توسط افراد متخصص باعث بهبود و ارتقای فنی و کیفی گزارشات منجر می گردد که این امر رابطه مستقیم با تخصص افراد کمیته دارد چرا که هر قدر بررسی تحلیلی گزارشات بیشتر باشد نشانگر توانایی و تخصص افراد کمیته است.

از طرف دیگر با توجه به اینکه گزارشات مربوط به پیش بینی سود که توسط کمیته حسابرسی به هیئت مدیره هر ساله ارائه می شود، به منظور اثربخش بودن باید همراه با اندازه گیری باشد. با توجه به اینکه بزرگترین چالش حسابرسی بحث اندازه گیری می باشد لذا برای دستیابی به بهترین گزارشات در خصوص پیش بینی سود به نظر می رسد انتشار رهنمودهایی از طرف سازمان حسابرسی و به تناسب فعالیت صنعت مورد نظر و استفاده کارشناسان کمیته از این رهنمودها موجب به وجود آمدن استاندارد در تهیه گزارشات می گردد.

## منابع

۱. مهرانی، ساسان؛ نونهال نهر، علی اکبر (۱۳۸۶). "نقش حسابداری مدیریت در افزایش کارایی واحدهای تجاری"، نشریه حسابداری ۱۳۸۶ - شماره ۱۹۰ (صص ۵۷ - ۷۱).

2. Bares et al(2013), The Causes and Consequences of Auditor Switching: A review of the Literature, Journal of Accounting Literature

3. Barnio G, Kav B,(2009) Bocconi School of Management (2004), The impact of mandatory audit rotation on audit quality and on audit pricing: the case of Italy. Academic research Unpublished .
4. Baron et al. (2001) "Opinion Shopping, Audit Firm Dismissals, and Audit Committees "working paper, Hong Kong University of Science and Technology
5. Bergmann, B. & Holt, S. (2012). Determinants of board size and composition: an empirical study of Danish medium and large firms, Master thesis submitted to fulfill M.Sc. in Applied Economics and Finance, Copenhagen Business School.
6. Hermlin, B.E. & Weisbach, M. (2003). Boards of Directors as an Endogenously Determined Institution; a Survey of the Economic Literature. *Economic Policy Review*, 9 (1), 7-26.
7. Peutroski, G. 2015. Error detection by industry-specialized teams during sequential audit review. *Journal of Accounting Research* 40 (3): 883-900.
8. Stenly, J. and Dizort, S. (2007) Auditor choice and the cost of debt capital for newly public firms', *Journal of Accounting and Economics*, 37, 113-36.
9. Turner, G., & Veirish, J. (2006). Collateral, type of lender and relationship banking as
10. Vidbe, A. R. (1997), 'Why do private companies demand auditing? A case for organizational loss of control', *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. 8, No. 1, pp. 31-52.
11. Voordeckers, W., Van Gils, A. & Van den Heuvel, J. (2007). Board Composition in Small and Medium-Sized Family Firms. *Journal of Small Business Management*, 45 (1), 137-156.
12. Windram, B. and Song, J. (2004). Non-executive directors and the changing nature of the audit committees: Evidence from UK audit Committee Chairman. *Corporate ownership & Control*, pp. 108-115.

مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری

دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۳۶-۴۶